



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ جلسه هفتم، سلسله جلسات طلبه تراز انقلاب اسلامی، استاد عابدینی

در محضر دعای ندبه هستیم به عنوان منشور هدایتگری و منشور نظام تبلیغی با این دعا حشر داشتیم که خدای سبحان آن نظام و طور تبلیغی که در انبیاء از آدم تا خاتم و بعد از پیغمبر اکرم با وصایت امیر مومنان تا وصی خاتم قرار داده، به رشته تحریر در آمده است و جلوه هایی از آن در یک کلام موجز و خلاصه برای ما بیان کرده اند. باید به عنوان یک منشور هدایتگری و تبلیغی جلوی چشم ما باشد.

### فتنه های در پیش رو

قبل از ورود به بحث یک مقدمه کوتاهی را عرض بکنم، با این آیه شریفه که **يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأَقِيهِ!** حرکت به سوی لقای خدای سبحان حتما با سختی و مشقت است. چون کندن و رفتن است. ماندن و شنیدن نیست. رفتن و کندن است. کندن و رفتن همیشه با سختی و مشقت همراه است. البته رسیدن و قرب هم آنقدر شرف و سرور می آورد که آدم میبندد فملاقیه که در انتهای ایه است، میبندد همه اش می ارزید. انک کادح الی ربک کدحا، با سختی حرکت دارد صورت میگیرد، اما فملاقیه. لقاء صورت میگیرد.

جلسه گذشته عرض کردیم که خدای سبحان به برکت بصیرت مردم یک مرتبه از فتنه را دور کرد و مقام شاکریت اقتضا میکند که با تضرع و شکر عرض بکنیم که خدایا ما لایق نبودیم. مغفرت و عفو شما شامل حال ما شد و کشور شیعه را نجات داد. اما اگر فکر کنیم شیطان آرام نشسته و هر از گاهی سر بلند میکند، این خامی است. به فرمایش مرحوم علامه طباطبایی در المیزان، شیطان قبل از تولد انسان، دوران حمل، پس از تولد، در دوران کودکی اش تا دوران بلوغش، تا دوران پیری اش، تا لحظه موتش، حتی بعد از وفاتش در دوران برزخ دنبال راهکار است، در هر جایی به مناسبتش. لحظه ای خواب ندارد. اگر یک جامعه ای، مردمی، علمی را به عنوان ایمان بلند کنند، آن هم علم اجتماعی را، علمی که کشوری و منطقه ای را تکان بدهد، باعث هدایتگری بشود که کشورهای دیگر هم به آن سمت چشم بدوزند، قطعا دشمنی شیطان در حد نهایتش بروز خواهد کرد. لذا اگر این فتنه خنثی شد به برکت هدایتگری های مقام معظم رهبری و بصیرت و اخلاص و تضرع مردم و خوبان، اما این قبولی حتما کلاس مردم را و کلاس مومنین را به یک کلاس بالاتر میبرد. وقتی کلاس بالاتر میرود، امتحاناتی که از این کلاس گرفته میشود سخت تر است، قبولی در این امتحانات مراقبت بیشتری میخواهد. خدای سبحان قطعا پشتیبانی میکند. **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ**<sup>۱</sup>. از جمله مصادیقش امتحانات و ابتلائاتی است که پیش می آید. خدا امداد میکند تا بصیرت ایجاد بشود. منتها همانطور که ما در نظام بدنی مان شاید به تعبیر پزشکان، میلیون ها ویروس در شبانه روز وارد میشود در بدن ما، ما اصلا نمیفهمیم که اینها چطور خنثی میشوند. نظام بدن ما آنقدر قوی است که اغلب این ها را، خدا اینطور خلق کرده است که نظام بدنی هم سبقت رحمت بر غضب است. اغلب اینها، یعنی تقریبا همه اینها به غیر از گاهی تک و توک اینها با همان نظام ایمنی بدن ما خنثی میشوند و از بین میروند. عفو عن کثیر. خدای سبحان در نظام درونی عفو عن کثیر، بسیاری از این ویروس ها به بیماری تبدیل نشد و از بین رفت. در نظام بیرونی هم عفو عن کثیر. خیلی از حیل های شیطان قبل از اینکه بروز و ظهور پیدا بکند خدای سبحان خنثی میکند. نمیدانیم که اینها برای روزانه ما این ها حیل ها داشتند. اما خنثی شد بدون اینکه ما بفهمیم. گاهی بعضی اش را خوب میفهمند. تعجب هم میکنند. چطور پوست خریزه ای که زیر پای انقلاب انداختند نگرفت. سر نخورد. پا گذاشت رویش اما سر نخورد. این ها نمیدانند **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ**، واقعا خدای سبحان تثبیت میکند و اگر ما از چشم آنها نگاه میکردیم، خیلی حرص و جوش دارد برای دشمن که این همه نقشه بکشد بعد ببیند خنثی شد. اما بعضی از اینها مثل میکروب و ویروسی که بدن خودش را مینمایاند و لازم است بدن نظام دقیق تری در مبارزه پیش بگیرد، در نظام اجتماعی هم برای اهل ایمان، دو جهت، یکی اینکه دشمن چون بیدار است و نقشه میکشد و همت میکند،

<sup>۱</sup> الانشقاق : ۶

<sup>۲</sup> إبراهيم : ۲۷ **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يُفَعِّلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ**

برای اینکه ما خوابمان نرود. زیرا خداوند **لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**<sup>۳</sup>. اینطور نیست که خدا بگوید شما بخوابید، من بیدارم، هر کاری خواست بکند، من جلویش را می‌گیرم. یکی اینکه خوابش نبرد. دوم این است که بیدار باشد و رشد بکند. به خاطر همین در هر مدتی **يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ**<sup>۴</sup>. یکبار یا دوبار در هر سالی مومن مورد ابتلا و امتحان قرار می‌گیرد. این جریانی که خنثی شد، این یک لایه مسئله بود که خنثی شده است و الحمدلله لایه مهمی هم بود که اگر میگرفت لایه‌ها و سنگرهای بعدی به سادگی بیشتری از بین می‌رود. الحمدلله خط مقدم ما نریخت و شکست نخورد و خیلی مستحکم تر شد و خیلی از عقبه دشمن رسوا شد. اما این همه عقبه دشمن نبود. نبرهای دیگری داشت که برای بعد از این ذخیره کرده است. بوی مسئله می‌آید که تا منطقه درگیر است، عراق و لبنان و سوریه درگیرند، ایران را رها نخواهند کرد و لذا احساس آدم وقتی در این فضا قرار می‌گیرد، این است که کلاس مومنین بالاتر آمده است و توانسته اند از امتحانات قبلی پیروز بشوند، حالا خدای سبحان برای کلاس بعدی میخواهد این‌ها را آماده بکند تا رتبه بالاتر ایجاد بشود.

پس دو چیز را می‌طلبد، همان مقام شاکریت و تضرع. در راس همه کارها مقام شاکریت و تضرع. خدایا بسیاری از این حيله‌ها و توطئه‌ها را بدون اینکه ما بدانیم خنثی کردید. اگر به ما واگذار بشود، ما از عهده نمی‌آییم. اگر هم به ما واگذار شد، با رحمت، غفرانک ربنا، خدایا با غفرانت با ما، با پوشیدن نقص‌های ما با ما برخورد کن که باعث بشود اگر برخورد ما ضعیف است، با مغفرت حق این نقص اش جبران بشود.

### رابطه استحکام پیوند مومنین و خنثی شدن حيله دشمنان

یک نکته دومی میماند اینجا که هرچقدر پیوند مومنین محکم تر بشود، حيله دشمن خنثی تر میشود. هرکدام از ما در هر جایی که هستیم، هرقدر که میتوانیم، نگویید من چکاره ام. هر کدام از ما هرکجا که هستیم، هر قدر که میتوانیم در استحکام پیوند مومنین در اطراف خودمان کوشش بکنیم که رحماء بینهم باعث میشود که بنیان مومنین بنیان مرصوص بشود. غیر قابل نفوذ بشود. هرچقدر ما در این وظیفه مان کوتاهی بکنیم، نفوذ پذیرتر میشویم. پس وظیفه ما این است، یک وقت ممکن است کسی مالا بتواند، یک موقع کسی مالی ندارد، اما در ارتباطات میتواند واقعا به مردم محبت بکند. رابطه هایش را... حتی نگاه میکند به مردم، با محبت نگاه بکند. این‌ها عبادت است. نگاه به مومنین با محبت عبادت<sup>۵</sup> است. اگر با این نگاه که اولاً تضرع و شاکریت به درگاه الهی که از او بخواهیم، **غُفْرَانُكَ رَبَّنَا**، خدایا تو با مغفرتت با ما برخورد بکن. ما قدرتمان ضعیف است، غفلت می‌کنیم. نکته دوم این است که به قدری که میتوانیم برای پیشگیری و اینکه بنیان مان مرصوص<sup>۷</sup> بشود، حتما **رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ**<sup>۸</sup> را رعایت بکنیم. هرچقدر می‌توانیم، شده است با نگاه محبت آمیز به مومنین، این حداقل اش است، این که خرجی ندارد. این تاثیر دارد. القاء نگاه مثبت مردم را از حالت یاس به حال امید میکشاند. روی خندان و شاد و با امید و با مهربانی، انسان در اطرافش تاثیر بگذارد، همینجوری هر می‌تواند تاثیر منتشر می‌شود. یعنی شما در روی ده نفر توانستید این رابطه را ایجاد کنیم، او هم هر کدام از این نفر همینطور در اطراف خودشان تاثیر می‌گذارند. نگاه با محبت، با امید، با نشاط، که همه آن سختی‌هایی که هست را این قدرت میدهد برای برطرف کردنش.

<sup>۳</sup> الرعد: ۱۱ لَهُ مَعْقِبَاتٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَخْفَتُونَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ

<sup>۴</sup> التوبة: ۱۲۶ أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ

<sup>۵</sup> الجعفریات (الأشعثیات)، ص: ۱۹۴

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ.

<sup>۶</sup> البقرة: ۲۸۵ أَمِنْ الرَّسُولِ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْهُ وَ كُتِبَهِ وَ رُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ

<sup>۷</sup> الصف: ۴ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ

<sup>۸</sup> الفتح: ۲۹ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أُخْرِجَ سَطَاءً فَازْرَأَهُ فَاسْتَعْلَطَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يُعْجَبُ الرَّزَّاعُ لِيُعِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفُورَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا

با این نگاه منتظر باشیم که بصیرت‌مان هم در رصد حوادث. که از آن نقطه‌های آغازش، نه کمر حادثه، از ابتدایش متوجه بشویم. چون ممکن است فتنه‌های بعدی بسیار پیچیده تر و از آنجایی که گاهی انسان محاسبه نمی‌کند پیش بیاید. از آن ذخایر شیطنتی که دارد، گذاشته است برای روزهای خاص، جایی که اوج قدرت‌ش را می‌خواهد بنمایاند که هر وقتی آن را استفاده نمی‌کند، آنها گنجینه‌هایش است، به خاطر اینکه مسئله از یک کشور گذشته است، یک بحث منطقه‌ای است. اگر در بحث منطقه‌ای بتواند حلقه‌ها را در فتنه به هم متصل بکند، سرعت و شدتش بیشتر می‌شود. اما اگر یکی از این حلقه‌ها مثل ایران آرام بشود، این باعث می‌شود روی حلقه‌ها و زنجیره‌های دیگر هم تاثیر جدی می‌گذارد. چون دارد در عراق و لبنان و سوریه، به خصوص عراق و لبنان، دارد پیش می‌برد، آرام نشده و دارد بیشتر هم می‌شود، حتماً بدانید ذخیره‌اش را در جریان ایران هم رها نخواهد کرد. لذا یک صداهایی به گوش میرسد که این صداها از یک برنامه و توطئه‌هایی حکایت می‌کند. لذا یک بصیرت جدی تری را می‌طلبید که جریان، جریان عمیق تر و مخفی تری ممکن است باشد که یک بصیرت بالاتری را می‌خواهد.

ناامیدی نبود. بحث امید بود. بحث را از این شروع کردیم که انسان مومن باید وظیفه‌شناس باشد. این به خاطر این است که کلاس مومنین آمده بالاتر و در این فتنه‌ها رشد کردند. وقت این است که بالاتر از این هم بروند. لذا در زمان قبل از ظهور دارد که فتنه‌ها شدید و شدیدتر می‌شود.<sup>۹</sup> پس هرچه این فتنه‌ها شدید می‌شود، ما احساس می‌کنیم پشتیبانی الهی هم قوی تر می‌شود. لذا ظهور هم نزدیکتر می‌شود به همین نسبت. فتنه‌ها که شدید می‌شود، این زمینه‌سازی برای ظهور هم می‌شود. لذا مومن از فتنه نمی‌هراسد. دنبال فتنه نیست، تقاضای فتنه نمی‌کند، اما از فتنه هم نمی‌هراسد. چون خدا دارد. با نگاه به اینکه خدا پشت کار است، هیچ فتنه‌ای در مقابل مومنی که انجام وظیفه می‌کند، توان و تاب نمی‌آورد، نمی‌تواند مقاومت بکند، خدا وعده داده که آقا هم فرمودند: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ**<sup>۱۱</sup>، اما به شرطی که تنصروا الله هایش از جانب ما باشد، وظیفه‌مان را بشناسیم، مطابق اش عمل را انجام بدهیم، ننشینیم ببینیم چی می‌شود. برویم و مودتمان را به انقلاب و اسلام و دین ابراز نکنیم. از اینجا گره بزنیم به بحث خودمان. مودت اظهار محبت است.

## صحنه سازی زیبا غدیر

خب به این فراز از دعا رسیدیم که فرمودند وقتی ایام وفات پیغمبر اکرم رسید، **أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**. این‌ها را بیان کردیم. به اینجا رسیدیم که: **فَقَالَ وَ الْمَلَأُ أَمَامَهُ: أَنْقَدِرْ** این صحنه سازی غدیر<sup>۱۲</sup> زیباست. ببینید، جریان غدیر از زیباترین صحنه‌هایی است که میشده است در تاریخ ثبت بشود، ترسیم بشود. خیلی شاهکار زیبایی است در ترسیم هنری مسئله حتی. حالا معنوی اش سر جایش. مردم از

<sup>۹</sup> الغيبة للنعماني، النص، ص: ۲۰۶:

وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا عُثَيْبُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ: لَتَمَحَّضَنَّ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ تَمَجِيزُ الْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ<sup>۹</sup> وَ إِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَدْرِي مَتَى يَقَعُ الْكُحْلُ فِي عَيْنَيْهِ وَ لَا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا وَ كَذَلِكَ يُصْبِحُ الرَّجُلُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُمَسِّي وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَ يُصْبِحُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا.

<sup>۱۰</sup> حضرت آقا به مناسبت‌های مختلفی درباره این آیه شریفه سخنرانی فرمودند، یکی از آنها را تقدیم شما می‌کنیم:

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱:

در همه‌ی کارهایی که ما داریم، در همه‌ی تلاشهایی که می‌کنیم، چه تصمیم‌هایی که در مسائل اقتصادی می‌گیریم، چه در مسائل فرهنگی ما باید این اصل را از یاد نبریم که وظیفه‌ی ما تحقق بخشیدن به اسلام بکامله است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم. این جور نباشد که از آرمان اسلام بکاهیم به خاطر اینکه مثلاً در فلان قضیه موفق بشویم؛ نه، موفقیت ما، پیشرفت ما وابسته به این است که ان‌شاءالله بتوانیم [اسلام کامل را محقق کنیم]. اگر این جور شد، خدای متعال هم کمک خواهد کرد، و نصرت الهی قطعاً و یقیناً و بدون هیچ تردیدی متوقف به این است که ما دین خدا را نصرت کنیم. **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**؛ دیگر صریح‌تر از این و واضح‌تر از این، حرفی وجود ندارد؛ «**إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ**» یعنی دین خدا را نصرت کنید؛ **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ**؛ (۱) وَ **لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ**؛ (۲) اینها دیگر چیزهای مؤکدی است که وعده‌های الهی است؛ نباید به این وعده‌های الهی بی‌توجه بود؛ **الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُلْمَ السُّوءِ**؛ (۳) اینکه واقعاً انسان وعده‌ی خدا را غیر قابل تحقق بداند، بدترین سوءظن به خدای متعال است که خدای متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی انفحاتنا، آن کسانی را که این جور حرکت می‌کنند مورد غضب خود دانسته است.

<sup>۱۱</sup> محمد: ۷ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ

<sup>۱۲</sup> اعتراف مخالفین به واقعه غدیر خم: عن ابن شاذب عن مطر الوراق عن شهر بن حوشب عن أبي هريرة قال: من صام يوم ثمانية عشر من ذي الحجة كتب الله له صيام ستين شهرة و هو يوم دير خم لما أخذ رسول الله [النبي] بيد علي بن أبي طالب وقال الست ولي [أولى بالمؤمنين قالوا بلى] م [يا رسول الله

حج برمیگشتند که فطرت ها برمیگردد به **كَيْوَمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ<sup>۱۳</sup>**. یعنی پاک میشوند. همراه پیغمبر بودند. آن هم به عنوان حجة الوداع که مردم میدانستند که بعد از این پیغمبر را نمیدیدند، یعنی وداع با پیغمبر است، این خودش خیلی کار را... بعد از حج، همراه پیغمبر، وداع با پیغمبر، این ها خیلی مسئله را احساسی میکند. شما اگر یادتان بیاید که امام آن سه چهار روزی که کسالت داشتند تا از دنیا بروند، چقدر احساس و دعا و تضرع سراسر کشور را فرا گرفته بود. مردم احساس بکنند پیغمبر رحمت، **رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ<sup>۱۴</sup>** ایام آخر عمرش است. طولی نخواهد کشید که دیگر نبینند ایشان را. بعد آمده در بین راه، در بیابان، نه در شهر که باز هنوز تعلقات باشد، نگه داشته سه روز مردم را، بعد از اینکه ابراز کرد، بیعت هم گرفت. چقدر این صحنه زیبا میشود اگر کسی خودش را ببرد در صحنه. در آن صحنه دارد این بیان را میکند. عمدا بردم در صحنه که ببینید با چه وضعی دارد این بیان محقق میشود. در یک سفر، حجة الوداع، بعد از سفر حج، در بیابان. آن هم در آن بیابانی که مردم چند ماه در سفر بودند و الان دارند برمیگردند و آنجا بفرماید:

**مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً**

هر کسی من مولای او هستم، علی مولای اوست. این مولا دیگر اگر دوستی بود که این همه مقدمه و موخره نمیخواست.

## ولایت و عداوت

**اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ**

یعنی کاملاً نصب را بر اساس دو دستور العمل ولایت و عداوت. فقط محبت به امیر المومنین نیست. بلکه معادات و عداوت نسبت به کسی است که مقابل حضرت بایستد. یعنی دو جناح در عالم بیشتر نداریم. یا همراه است، یا مقابل است. بله، نسبت به اهل قصور، آنی که نمیفهمد فرق میکند. نسبت به اهل شعور و آن کسی که می فهمد یا ولی است یا عدو است.

## دعای پیغمبر اکرم

این بیان که در ادامه میفرماید:

**وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ**

دعای پیغمبر است. این دعا اجابتش قطعی است. هر کسی که موالی امیر المومنین باشد، موالی باشد، موالی یعنی آنجایی قدم بزند که امیر مومنان میگذارد، آنجایی بایستد که امیر مومنین می ایستد. نه جلو بزند. نه عقب بماند. نه تالی نه غالی. همراه باشد. اگر کسی اینطوری بود، خدا وعده داده است که اللهم وال من والاه. اگر ولی کسی شد خدا بواسطه امیر المومنین، دیگر این لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ، **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۱۵</sup>**. نه از چیزی میترسند، نه چیزی برایشان خوف می آورد، نه

قال من كنت مولاة فعلى مولاة فقال له شمر بن لؤك يا ابن ابي طالب (على) [ أصبحت موكاي و مولى كل مسلم ] مؤمن ومؤمنة فأنتل الله عز وجل اليوم أكملت لكم دينكم»؛

ابی هریره روایت نموده است که: هر کسی روز هجدهم ذی الحجه روزه بگیرد خداوند روزه ی شصت ماه را برای او ثبت می کند، و آن روز، روز غدیر خم است، روزی که نبی صلی الله علیه [وآله] وسلم دست علی [ ] را گرفت، در میان جمعیت ایستاد و فرمود: ألسنت ولى المؤمنین؟ ای مردم! آیا من ولی مؤمنین نیستم؛ همگی یک صدا گفتند: بلی یا رسول الله! چنین است. سپس فرمود: من كنت مولاة فعلى مولاة هر کسی من مولای اویم، علی بن ابی طالب [ ] مولای اوست. عمر بن خطاب برای تهنیت برخاست و گفت: بخ بخ یا ابن ابی طالب، اصبحت مولای و مولا كل مؤمن! ای پسر ابو طالب این ولایت بر تو مبارک باد! مولای من و مولای هر مسلمانی [هر مؤمنی هستی] پس خداوند آیه والیوم اکملت لم دینم را نازل نمود. الأمالی، الشیخ الصدوق، ص ۵۰؛ بشارة المصطفی، محمد بن ابی القاسم الطبری، ص ۱۵۸؛ روضة الواعظین، الفتال النیسابوری، ص ۳۵۰؛ عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب إمام الأبرار، ابن البطریق، ص ۱۰۶؛ الطرائف، السید ابن طاووس، ص ۱۴۷؛ بحار الأنوار، العلامة المجلسی، ج ۳۷، ص ۱۰۸. منابع اهل تستن: تاریخ بغداد، الخطیب البغدادی، ج ۸ ص ۲۸۴؛ مناقب علی بن ابی طالب لان ابن المغازلی، ص ۳۷؛ شواهد التنزیل، الحاکم الحسکانی، ج ۱، ص ۲۰۲؛ تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۲۳۲ و ۲۳۴؛ المناقب، الخوارزمی، ص ۱۵۶؛ البداية والنهاية، ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۳۳ و ج ۷، ص ۳۸۶؛ السیرة النبویة، ابن کثیر، ج ۴، ص ۶۴۲؛ السیرة الحلبیة، حلبی، ج ۳، ص ۳۳۷؛ کشف الخفاء، العجلونی، ج ۲، ص ۲۵۸؛ تفسیر الاکوسی، ج ۶، ص ۱۹۵.

<sup>۱۳</sup> تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۵، ص: ۲۱:

وَ عَنهُ عَنِ صَفْوَانَ بْنِ یَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْحَاجُّ يَضُدُّوْنَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ فَصِنَّفٌ يَغْتَقُونَ مِنَ النَّارِ وَ صِنَّفٌ يَخْرُجُ مِنْ دُنُوبِهِ كَيْوَمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ صِنَّفٌ يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَذَلِكَ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ.

<sup>۱۴</sup> الأنبياء: ۱۰۷ و ما أرسلناك إلا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

<sup>۱۵</sup> یونس: ۶۲

حزن می آورد. اگر تکلیفمان را انجام بدهیم، این حال در وجودمان ایجاد میشود. خدایا تو دشمن بدار آنی را که علی را دشمن بدارد. و انصر من نصره و اخذل من خذله. نصرت، خذلان.

نصرت این است که انسان میبیند در اموری که برایش پیش می آید سرعت حرکت پیدا میکند، توافق اسباب میشود، موانعی که جلو راهش قرار میدهند باعث سرعت این میشود به جای اینکه سرعت گیر بشود. اگر دشمن مکر میکند، خدعه میکند، شیطنت و حيله میکند، همین باعث میشود مومنین قوی تر و قدرتمند تر بشوند. با هم متحد تر بشوند.

## ماجرای افغانستان، لطف خفی الهی

ببینید جریان افغانستان یادمان نرود، طالبان همه اش را گرفته بود، باعث شد خدای سبحان با مکرری دشمنان کردند، مکر دشمنان را به خودشان برگرداند، بدون اینکه ما آنجا دخالت داشته باشیم، آمریکایی ها با طالبان در یک جنگ زرگری باهم درگیر شدند، اما این جنگ به نفع ما شد. وگرنه طالبان مرز های شرق ما را ناامن میکرد. از این طرف صدام بود، در یک جنگ زرگری خداوند دشمنان را به خودشان مشغول کرد، **اللهم اشغل الظالمین بالظالمین**<sup>۱۶</sup>، خدا این ها را با هم گلاویز کرد. خدا سلامتی بدهد و طول عمر با عزت و نفوذ کلمه به اقا بدهد. وقتی مرحوم شهید حکیم آمدند پیش آقا و گفتند ما چه کنیم در درگیری که بین آمریکا و عراق ایجاد شده. آقا گفتند نه له صدام باشید، نه علیه و نه مقابل آمریکا بایستید. یک بازی است. هر کجا باشید، شیعیان قرار بود اینجا وسط بازی له بشوند. اما با تدبیری که آقا کردند و آن ها گوش کردند، این ها کشیدند کنار، بعد معلوم شد اصلا این بازی بود. یکدفعه دو سه روزه آن همه هارت و پوتی که صدام با لشکرش می کردند، یکدفعه تسلیم شدند. چون دیدند آن نقشه به هم خورد. بعد صدام که رفت، ما چقدر باید کار میکردیم تا بتوانیم صدام را از بین ببریم. **اللهم اشغل الظالمین بالظالمین**. نمی دانیم چقدر رحمت برایمان ایجاد شد. و بعد از او، اولین حاکمی که بعد از صدام آمد، اون برمر آمریکایی بود. مسئول نیروهای نظامی آمریکا، حاکم عراق شد. بعد از مدتی یواش یواش یک عراقی را گذاشتند که اون ایاد علاوی بود، هرچی گذشته است از برمر، تا علاوی، بعد جعفری، بعد نوری مالکی، بعد حیدر العبادی، بعد شده الان عادل عبدالمهدی که استعفاء داده است. هرچه سیر شده، هی خالص تر شده است کار. نمیگوییم به مرتبه خلوص، اما این ها هرچی جلو آمده است، علیه آمریکایی ها شده است. این آقای عبدالمهدی را خیلی جلوی ایتادند علتش این بود که روابطش با ایران خیلی خوب بود، خیلی خوب بود، مقابل آمریکا خیلی شدید بود، همین باعث شد که باهاش مقابله کنند، اینها تثبیت الهی است. ما این ها را میبینیم، مقام شکرمان بیشتر میشود؟ میفهمیم مرتبط به ماست یا میگوییم به ما چه ربطی دارد؟

شش تنفسی ما در این تحریم ها که این ها اینقدر سخت گرفتند، یکیش عراق بوده و بعضی از کشورها که ما میتوانستیم یک سری روابط مالی مان را محقق بکنیم چون این ها همراهی میکردند. بدون اینکه آشکار بشود، همراهی می کردند. خب دشمن میفهمد. اینها مرتبط با ایران است. اگر ما مقام شکرمان اضافه بشود، خدای سبحان هم بیشتر انجام می دهد، ان تنصروا الله ینصرکم، بیشتر یاری میکند.

لذا آمدند در عراق و لبنان تمام همتشان این است که اولاً شیعیان را به خصوص در عراق، اولین باری است که شیعیان به جان هم افتادند، در مناطق شیعه نشین این درگیری ها است، اصلا در مناطق سنی نشین نیست. تا به حال درگیری ها در مناطق اهل تسنن بود، داعش بود، آوردند درگیری ها را کشاندند به مناطق شیعه نشین. شعار را برگردانند به چی؟ به اینکه ایران باعث این مصیبت هاست. البته آنهایی که دارند شعار میدهند و نه مردم عراق، مردم عراق میدانند.

دارم عرض می کنم دشمن بیدار است، دارد کار می کند، اگر ما خواب باشیم، ما بی تفاوت باشیم، ان تنصروا الله محقق نشده است. در درون ما همین نقشه را به نحو دیگری میخواهند انجام بدهند.

اگر دیر بیدار بشویم مبارزه سخت تر است. اما در نطفه اگر انسان بتواند بفهمد، مقابله راحت تر است. من این ها را میگوییم، نه اینکه خدایی نکرده دل دوستان خالی شود. از باب آماده شدن و مقام شکر است.

<sup>۱۶</sup> الصحیفة السجادیة، ص: ۱۳۰: اللهم اشغل المشرکین بالمشرکین عن تناول أطراف المسلمین...

## معرفی امیر المومنین توسط پیغمبر اکرم

بعد می فرماید:

وَقَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا وَلِيِّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ

این ها خیلی جا دارد. باید یک خرده عبور بکنیم.

وَقَالَ: أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى

پیغمبر اکرم چقدر سختی کشید، شما فکر میکنید پیغمبر وقتی امیر مومنان را میخواست معرفی بکند، از وسوسه خناس ها خودش را در امان میدید؟ ببینید در تاریخ چقدر پیغمبر از وسوسه خناس ها در معرفی امیر المومنین در غدیر برایش سخت بود که چکار بکند که این مسئله که امر الهی است، به بهترین وجه محقق بشود و خناس ها نتوانند وسوسه بکنند. این جریانی که ما با عزت و افتخار میخوانیم، جزء وقایعی در تاریخ است که هم برای پیغمبر سخت بود ابلاغش، چون میدانست فته از قبل بوده، از حالا شدیدتر میشود و همینجور هم بود، نگذاشتند این به تحقق برسد. فتنه گری کردند. لذا اگر حواسمان باشد، با پیغمبر شیطان در افتاد آنجا. نه با شخصش. با اعمالش که نگذاشت در مردم نافذ بشود. لذا نگذاشت این محقق بشود. البته خدای سبحان هم امر خودش را تثبیت میکند به مناسبتی که مردم نصرت خدا را بکنند.

این انا و علی من شجرة واحدة این شجره درخت ولایتی است که در بحث خلقت خیلی زیباست که یک وقتی باید آن بحث را بکنیم. آن هم جا دارد به یک مناسبت عرض بکنیم که شجره واحده اش آنجا خوب آشکار میشود.<sup>۱۷</sup>

بعد می فرماید:

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ زَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ

چقدر پیغمبر در دوران عمرش وقایعی پیش آمد تا امیر المومنین را در چشم مردم جا بیندازد و مردم قبول بکنند<sup>۱۸</sup>. با همه اینها نپذیرفتند بعدش. جهالت. لذا خدا رحمت کند امام را که فرمود امت ما در مقابل سختی ها و فتنه ها خیلی امت بزرگی اند. واقعا مردم ما بسیار بزرگ هستند.

<sup>۱۷</sup> «سألت أبا جعفر \* عن قول الله تعالى: (كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها؛ قال الشجرة رسول الله يالي نسبة ثابت في بني هاشم ونصر الشجرة فاطمة وفرع الشجرة على أمير المؤمنين وأصنام الشجرة ومهما الأئمة (أولادها) وورق الشجرة الشيعة)، بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار، ص ۷۹؛ تفسير مجمع البيان، الطبرسي، ج ۶، ص ۷۴ و همچنین: دخل أناس على أبي جعفر \*.. تسألوا عن هذه الآية من كتاب الله فيكشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها، قالوا: صدقت هذه الآية أردنا أن نسألك قال نحن الشجرة. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۵؛ الخرائج و الجرائح، قطب الدين الراوندي، ج ۲، ص ۶۵۹۷ الدر النظيم، الشامي العاملي، ص ۶۱۲، بحار الانوار، العلامة المجلسي، ج ۴۶، ص ۲۶۶. در این منابع نیز شجره طيبه به اهل بيت تفسير شده است: التفسير القمي، علي بن ابراهيم القمي، ج ۱، ص ۳۶۹؛ معاني الأخبار، الشيخ الصدوق، ص ۴۰۰؛ التفسير الصافي، الفيض الكاشاني، ج ۳، ص ۸۵٪ بحار الانوار، العلامة المجلسي، ج ۹، ص ۱۱۲.

<sup>۱۸</sup> به نقل از کتاب نفس نفیس خاتمیت از آیت الله وحید خراسانی:

خلیل بن احمد، مبتکر علم عروض و صاحب کتاب «العین»، که بی نیاز از وصف است، او نزد سنی و شیعه امام لغت و ادب است. به او گفتند: درباره امیر المومنین علی \* حرفی بزن. گفت: چه بگویم که نشر فضیلت هر کسی یا باید به وسیله دوست بشود، یا به وسیله دشمن. دشمنانش هم فضائلش را از روی حسد کتمان کردند و دوستانش از روی خوف. با این وجود فضائل علی ابن ابی طالب ابر تمام جهان را پر کرده است.

قیل له (أي الخليل بن أحمد) ما تقول في علي بن أبي طالب؟ فقال: «ما أقول في حق امرئٍ كتمت مناقبه أولياؤه خوفاً، وأعداؤه حسنة. ثم ظهر من بين الكتمانين [الكتمين ما ملأ الخافقين] اين مطلب با اختلاف کم در این منابع آمده است: الرواشح السماوية، ص ۲۸۹؛ روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، المجلسي الأول، ج ۱۳، ص ۲۶۵؛ تنقيح المقال، ترجمة الخليل بن أحمد، ج ۱، ص ۴۰۳، رقم ۳۷۶۹؛ سفينة البحار، ج ۲، ص ۷۲۱ ماده «خلل»، طبع دار الأسوة؛ شرح إحقاق الحق، السيد المرعشي، ج ۴، ص ۱. شبيه هذين عبارات از محمد بن ادریس شافعی نیز نقل شده است، رجوع شود به: مشارق أنوار اليقين، الحافظ رجب البرسي، ص ۱۷۱؛ حلية الأبرار، السيد هاشم البحراني، ج ۲، ص ۱۳۶؛ غاية المرام، السيد هاشم البحراني، ج ۵، ص ۱۴۵؛ كشف الغطاء، ص ۱۳؛ الكنى والألقاب، الشيخ عباس القمي، ج ۲، ص ۳۵۰.

امام الحنابلة، احمد بن حنبل تصريح کرد و گفت: ما جاء لأحد من الصحابة من الفضائل ما جاء لعلي بن أبي طالب؛؛ برای هیچ یک از صحابه به آن اندازه که فضیلت برای علی ابن ابی طالب ۲ نقل شده است، فضیلتی نقل نشده است.

[سمعت أبا منصور الجمشادي، سمعت محمد بن عبد الله الحافظ، سمعت أبا الحسن علي بن الحسن، سمعت أبا حامد محمد بن هارون الحضرمي، سمعت محمد بن منصور الطوسي، سمعت أحمد بن حنبل يقول: «ما جاء [روى] لأحد من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم من الفضائل [مثل ما جاء

## لشکریان خدا! از زلزله آلبانی تا دستگیری روح الله زَم

من یک خبری را بگویم که حتما شما شنیدید، یک زلزله آمده هفته پیش در آلبانی<sup>۱۹</sup>، مرکز زلزله می دانید کجا بوده؟ اردوگاه منافقین در آلبانی! در آلبانی یک اردوگاه درست کردند برای منافقین که چهار هزار نفر از منافقین آنجا باشند و این لشکر سایبری شان که چهار هزار نفر هستند، این لشکر آنجا مستقر است. چقدر تجهیزشان کرده اند. بعد زلزله آمده آنجا شش و چند ریشتر، ساختمان این ها هم نوساز نبوده است، یک منطقه ای را برای این ها خالی کرده بودند. زلزله آمده، ساختمان این ها را در هم کوبیده، به طوری که این ها اولاً امکاناتشان درهم کوبیده شده، سالی که سالن جنگ سایبری بوده از بین رفته. چقدر از نیروهایشان هم از بین رفته اند. ما اینها را ساده نگاه میکنیم. همان چند روز بعد از جریان فتنه بود. خدای سبحان گاهی فتنه ای را که آنها میخواستند انجام بدهند، خود یکی از آنها مصابحه<sup>۲۰</sup> کرده بود گفته بود این کار ایران است، گفته بود شما فکر می کنید

لعلى بن أبی طالب [\*] عبارت احمد بن حنبل با کمی تفاوت در این منابع ذکر شده است: منابع شیعه: عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ابن البریق، ص ۱۲۱؛ الطرائف، سید بن طاووس، ص ۱۳۶؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن أبی الفتح الإربلی، ج ۱، ص ۱۶۶؛ حلیة الأبرار، العلامة البحرانی، ج ۲، ص ۱۳۲؛ بحار الأنوار، العلامة المجلسی، ج ۲۰، ص ۱۲۴ منابع اهل تستن: المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیسابوری، ج ۳، ص ۱۰۷؛ الكشف والبیان عن تفسیر القرآن (تفسیر الثعلبی)، الثعلبی، ج ۴، ص ۸۱ مناقب، الموفق الخوارزمی، ص ۳۴؛ تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۴۱۸؛ مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، محمد بن طلحة الشافعی، ص ۱۷۲. و همچنین رجوع شود به: مائة منقبة، ابن شاذان، ص ۴؛ الأربوعون حدیثا، منتجب الدین بن بابویه، ص ۲۸۸ الصراط المستقیم، العاملی، ج ۱، ص ۱۵۳. مناقب اهل تستن: الجوهرة فی نسب الإمام علی وآله، البری، ص ۹۳؛ الاستیعاب، ابن عبد البر، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، الحاکم الحسکانی، ج ۱، ص ۲۶؛ طبقات الحنابلة، محمد بن أبی یعلی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ نظم درر السمطین، الشیخ محمد الزندی الحنفی، ص ۸۰؛ الإصابة، ابن حجر، ج ۴، ص ۴۶۴؛ تهذیب التهذیب، ابن حجر، ج ۷، ص ۲۹۸؛ السیرة الحلبیة، الحلبي، ج ۲، ص ۴۷۳؛ ینابیع المودة لذوی القربی، القندوزی، ج ۱، ص ۸ و ج ۲، ص ۳۷۰؛ تاریخ الخلفاء، جلال الدین السیوطی، ص ۱۸۵.

<sup>۱۹</sup> روز سه شنبه، ۵ آذر ۹۸، زلزله ای به بزرگی ۴/۶ ریشتر کشور آلبانی را لرزاند. این زمین لرزه در ساعات اولیه بامداد (۵۴:۳ صبح به وقت محلی) رخ داد و علاوه بر گرفتن جان چندده نفر، به خاطر ساعت وقوع، موجب غافلگیری و وحشت مردم شد. برخی آمارها از کشته شدن بیش از ۵۰ نفر و زخمی شدن دست کم ۲۰۰۰ نفر خبر می دهند. این زمین لرزه که طی بیش از ۴۰ سال اخیر در آلبانی بی سابقه بود، به حدی شدت داشت که در شهرهایی مانند «تارانو» ای ایتالیا یا «بلگراد» پایتخت صربستان، حدود ۳۷۰ کیلومتر آن طرف تر نیز احساس شد. این زلزله مرگبارترین زلزله تاریخ آلبانی و تا کنون مرگبارترین زلزله جهان در سال ۲۰۱۹ است. کانون این زمین لرزه در فاصله پنج کیلومتری از کمپ موسوم به «اشرف-۳» در نزدیکی «تیرانا» پایتخت آلبانی واقع شده بود؛ جایی که حدود ۴۰۰۰ تروریست «مجاهدین خلق» مستقر هستند. به علاوه، کانون یکی از پس لرزه های زمین لرزه هم که ۳/۵ ریشتر قدرت داشت، تنها یک کیلومتر آن طرف تر از کمپ منافقین بود. پایگاه خبری «بالکان ریست» طی گزارشی با این عنوان به موضوع تأثیر زمین لرزه بر کمپ مجاهدین خلق در آلبانی پرداخته است: «زمین لرزه ای ویرانگر، پایگاه مجاهدین خلق در آلبانی را نابود کرد و احتمالاً ده ها نفر را کشت؛ بازماندگان ایران را مقصر می دانند».

<sup>۲۰</sup> بخشی از متن مصاحبه این فرد که تیمور نام دارد، به نقل از سایت خبرگزاری مشرق نیوز:

(ما سه سال پیش وارد آلبانی شدیم و از آن زمان تا الآن داشتیم خودمان را برای یک زندگی جدید آماده می کردیم. به ما گفته بودند که متحدان سعودی و اسرائیلی مان، هزینه زیادی برای زیرساخت های این پایگاه جدید کرده اند؛ و گفته بودند این جا در امنیت خواهیم بود. گفتند حمایت کامل دولت آمریکا و تمامی هم پیمانان آن پشت ماست. آقای بولتون حتی به ما قول داده بود که به زودی در تهران جشن خواهیم گرفت. یک سال پیش تجهیزات جدید رایانه ای به ما دادند و چند ماهی می شد که به سختی تلاش می کردیم تا حقوق بشر و دموکراسی را [در داخل ایران] بهبود بدهیم. همین ده روز پیش، مردم ایران را دیدیم که به خیابان ها آمدند و ساختمان ها را در تهران آتش زدند. فکر می کردیم رؤیاهایمان به حقیقت پیوسته اند. اما امروز نه انقلابی در کار است، نه سالی، نه رایانه ای. همه چیز را از دست دادیم!)

مصاحبه گر: حرف هایی که با هم می زدیم موجب شد تا یکی از همکاران تیمور روی تخت کناری با فریاد چیزی بگوید شبیه به: «مرگ بر فلان». از تیمور خواستم برایم ترجمه کند؛ او هم گفت که دارد به ایران فحش می دهد. وقتی دلیل را پرسیدم، گفت: «این حادثه، بدون هیچ شکی، به ایران ربط دارد. همه ما این را می دانیم.» حیرت زده از او سؤال کردم آیا منظورش این است که ایران زمین لرزه آلبانی را ایجاد کرده است؛ گفت: (بله، صد درصد! چه طور ممکن است یک زلزله دقیقاً کمپ ما را بلرزاند؟ به ما گفته اند که کانون زمین لرزه به پایگاه ما بسیار بسیار نزدیک بوده و چنین زلزله ای چندین دهه است که در آلبانی رخ نداده است! مگر می شود زلزله به طور اتفاقی دقیقاً در ساعات ابتدایی صبح رخ بدهد که همه هم قطاران من داخل خوابگاه هایشان هستند؟ واضح است که کسی قصد داشته تلفات ما را به حداکثر برساند! چه طور می شود که این زلزله درست پنج روز بعد از سرکوب انقلاب ما در داخل ایران اتفاق بیفتد؟ این حادثه یک انتقام محض است! مطمئنم که اثر انگشت ایرانی ها روی این حادثه وجود دارد. پلیس آلبانی همین یک ماه پیش گفته بود مأموران ایرانی را شناسایی کرده که قصد عملیات علیه ما را داشته اند. شاید همین افراد بمب های قوی را زیر زمین کار گذاشته اند. شاید هم با استفاده از فرکانس های قوی از طریق ماهواره عوامل زمین لرزه را تحریک کرده اند؛ جایی خوانده ام که انجام این کار ممکن است. ایران نباید به چنین فناوری های پیشرفته ای دست پیدا کند. امیدوارم برادرمان، ترامپ، تحریم ها را علیه شبکه های تحقیقاتی ایران تشدید کند یا به اقدام نظامی علیه ایران دست بزند)

این الکی است! زلزله با این شدت! چند روز بعد از شروع فتنه بود! در حالت مجروحیت گفته بود این کار ایران است، گفته بود به آمریکا بگویند جلوی ایران را بگیرد! توانسته از چی استفاده بکند که زلزله بیاد. یعنی اینقدر این ها به عظمت ما قائلند. این هم خوب است دیگر، نصر به رعب است دیگر. واقعیت است. یعنی دشمن میترسد. اگر ما پهپاد آمریکا را میزنیم، نمی تواند مقابله بکند، می گوید باز ما تشکر میکنیم که هواپیمایمان را نزدند، این نصر به رعب است. نصر به رعب که شاخ و دم ندارد! میترسند. یعنی واقعا می ترسند. لذا سعی میکنند در لایه های پنهان با ما درگیر بشوند، آشکار نباشند.

این روح الله زم را که دستگیر کردند، ما نمی دانیم اگر این بود، این جریان فتنه عمقش تا کجاها می رفت. آنوقت عجیب است، می دانید چجوری دستگیرش کردند؟! این مهمان صاحب خانه ای در اربیل که شده بود، اصلا مهمان ما بود. این بنده خدا آنچنان گول خورده که نمیدانسته کجا دارد می رود، با همه ی حفاظتی که از این داشتند. به طوری که کامپیوترش را نتوانسته خاموش کند. لپتاپش را روشن گرفتند ازش با تمام اطلاعات کلی و جزئی اش. با پای خودش آمد در دام، یعنی آمد وارد شد بر ما، نه اینکه برویم بگیریمش! این ها فکر میکنیم ساده است؟! بعد می دانید چقدر روابط پشت پرده لورفته است؟! خیلی سر و صداها برای این است که آن روابط بعد از این دیده نشود. یک سری فتنه هایی که میخواهند بکنند برای این است که مسئله سیاسی بشود که اگر خواستند این ها را بگویند، خرابش بکنند، بگویند این ها تسویه حساب های سیاسی است، لذا خراب بشود، اطلاعات از بین برود. یک سری هول شدند!

اینها رحمت های خداست. ما باور کنیم خدا لشگریانش در کارند. ببینیم دست خدا را. اگر واقعا دست خدا را ببینیم، این ها خیلی کار ازشان می آید.

گفته بود من غصه نمیخورم از اینکه یک سری از ما مردند و زیر آوار ماندند، غصه من این است که سالنی که برای جنگ سایبری بعد از سه سال آماده شده بود، همه زحمت دو سه سال ما از بین رفت. اصلا ما فهمیدیم؟ خدای سبحان چطور دفع خیلی از ابتلائات را میکند؟ این شخص را گرفتند اینجا، ما فهمیدیم؟ ما فهمیدیم ولی آیا فهمیدیم که عمق مسئله چقدر است!؟

## عالم دستگاه خداست

اگر ما مقام شاکریتیمان بالا برود، خدای سبحان خیلی کار ازش می آید، باور کنید. خدا رحمت کند آقای بهاء الدینی را، عالم دستگاه خداست، باور کنیم دستگاه خداست عالم. آقای حسن زاده حفظه الله، ایشان فرمود ببینیم خدا دارد خدایی میکند. ماها خدا را به معزل ببینیم که یک گوشه نشسته است، میبیند عجب، همه چیز علیه اش است. آمریکا آنور است. فلان و ... من چیکار کنم این وسط! ماها نگاهمون اینجوری است که گاهی هم خدا یک ضربه ای می تواند این وسط بزند. نه. خداست دارد خدایی میکند. قدرتش قاهره است. حتی آنجایی که به ظاهر غلبه است، همانجا رشد مومنین است و جلوه گری مومنین است و آنجا برای مومنین میدان و عرصه رشد است، اگر این را ببینیم، خدا دائما با حرکتشان دارد مومنین را بالا میبرد. منتهی گاهی مومنین کوتاهی کرده اند، مجبور است مثل پدر مهربان یک تشر هم بهشان بزند. گاهی مومنین نصرت کردند، خدای سبحان هم نصرت میکند. کشور را دست خدا ببینیم، حالا که بحث اینطوری شد این قضیه را هم بگویم. بعد از فتنه ۸۸، یک جلسه ای بود در مشهد، آقای رحیم پور ازغدی دعوت شده بود، اوایل شهریور ۸۸ بود. یک جلسه دانشجویی سراسری بود، ایشان هم به عنوان یک سخنران دعوت شده بود. قبل از سخنرانی در جلسه ای که داشتیم صحبت می کردیم، یک چیزی را گفت جالب بود.

گفت من حدودا یک ماه و نیم پیش، یک جلسه ای خدمت رهبری بودیم. یک ماه و نیم پیش می شود کی؟ می شود اواسط تیر. اواسط تیر با فتنه چقدر واسطه است؟ حدودا یک ماه فاصله بوده است. چون فتنه اواخر خرداد بود. اواسط تیر یک ماه نشده است. گفت من خدمت رهبری در یک جلسه ای بودم، عرض کردم به ایشان، بعد از نماز جمعه آقا، عرض کردم آقا این نماز جمعه ای که خواندید و این صحبت هایی که کردید، خیلی در تسلی دل مومنین و تدبیر شما در این مسئله خیلی عالی بود، مومنین خیلی تسلی پیدا کردند. گفت آقا چیزی نفرمودند. جلسه تمام شد. داشتیم می آمدیم بیرون من را صدا زدند. گفتند بایست، کارت دارم. گفتند من کاری نکردم، مثل جریان مادر موسی که مادر موسی این را انداخت در آب، تابوت موسی را که موسی درش بود، خدا هم آرامش داد بهش که **لَوْ لَا أَنْ رَبَّنَا عَلَي قَلْبِهَا**<sup>۲۱</sup>، و آن را انداخت در آب. من میبینم که اصلا به من ربطی ندارد. خودش دارد جلو میرود.

<sup>۲۱</sup> القصص : ۱۰ وَ أَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَي قَلْبِهَا لَآتَتْهُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ



باور بکنید توحیدی که در این مسئله از مقام معظم رهبری آشکار میشود، یعنی با تمام تدبیر و تلاشی که دارد میکند که مسئله درست انجام بشود با تضرعات و تدبیرها و بصیرت هایش، اما اصلاً از خودش هیچی نمی بیند. این توحید است که کار را پیش میبرد. می گوید خدا پیش برده، اصلاً به من ربطی نداره، کاری نکردم. نمی بیند از خودش. میگوید خدا دارد میبرد. این را خدا می بیند که مردم را هدایت کرده به این مسئله و از آن فتنه دور کرده است.

اگر دل های مومنین به این الهی شدن هرچقدر نزدیک بشود، هرچقدر دست خدا را آشکارتر ببینند، هرچقدر آشکارتر ببینند، فتنه ها رسوایی اش زودتر می شود، شدیدتر میشود. مگر برگشتش به ماکر سخت تر میشود، لذا رسواتر می شوند.

## امیر المومنین علیه السلام لحم و دم پیغمبر اکرم

بعد می فرماید که: یکی یکی کارهایی که پیغمبر از یوم الانذار کرد و بعد فرمودند کی حاضر است، امیر المومنین حاضر بود، بعد جریان بسته شدن ابواب به سوی مسجد النبی به غیر از درب خانه پیغمبر و درب خانه امام علی علیه السلام،

**وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَدْعَاهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا**

جلسه گذشته عرض کردیم که این در هر لحظه در است. یعنی هر وقت از پیغمبر بخواهی استفاده بکنی، باید از باب امیر المومنین بروی. این باب دائمی است، بابی که از آن جدا بشوی نیست.

**فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّ وَوَارِثِي، لُحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي**

حیف فرصت نیست. این ها خیلی عالی است در مقام تبیین که امیر المومنین علیه السلام هیچ چیزی به غیر از اطاعت پیغمبر در وجودش نبوده است. چون حقیقت لحم و دم آن چیزی است که این گوشت و خون تابعیت دارد به نفس. تمام وجود امیر المومنین از کودکی محو پیغمبر اکرم بود. به قول خودشان روی سینه پیغمبر رشد کرده بودم. روی سینه پیغمبر بودم، پیغمبر لقمه در دهان من میگذاشت<sup>۲۲</sup>.

## تفسیر امیر مومنان می خواهد آرامش را بهم بزند

**وَسَلْمُكَ سَلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي**

ببینید بلافاصله می برد سلمک سلمی، حربک حربی. ما حرف همایمان بحث های فهم و معرفت و این هاست. حرف های پیغمبر اکرم این است که میگوید معرفت کجاست؟ در جنگ و موالات. در معادات و موالات. اینجا معرفت ایجاد میشود. در نصرت و خذلان معرفت ایجاد میشود. در متن وقایع. در حرکت. نه در نشستن. اگر آدم میشیند در کلاس، می خواهد این کلاس را بنشیند تا قدرت حرکت پیدا بکند، نه اینکه بنشیند در کلاس که بنشیند در کلاس. بنشیند در کلاس که موالاتش را بتواند بیشتر ابراز بکند، معاداتش را بتواند بیشتر ابراز بکند. پس باید ظهور پیدا بکند. سلمک سلمی و حربک حربی. این ها خیلی بیان زیبایی است.

حالا می خواستم یک نکته ای را بگویم، ببینید یک بحث زیبایی است که زمانی که ، اولاً جریان تاریخی اش را بگویم، بعد بحث را معرفتی اش هم بکنیم. ببینید جریانی که وقتی بنی امیه حاکم شدند، به فرمایش آقا در کتاب انسان ۲۵۰ ساله در حلقه ثالثه بیان میکنند، یکی از کارهای بنی امیه این بود که شرک به مردم تعلیم نشود که چی است! حدود شرک چی است، مشرک کی است. اسلام را بگویند، ولی شرک را نگویند. چرا؟ آقا می فرماید چون اگر علائم شرک و حقیقتش بیان میشد، مردم میدیدند اینکه بر بنی امیه تطبیق دارد، لذا بیزار می شدند. لذا حتی ابن عباس که میخواست تفسیر بگوید، بهش خطاب کردند که تفسیر نگو. گفت نمیشود تفسیر نگویم. گفت اگر میخواهی بگویی، تفسیر با قرائت امیر مومنان را نگو. یعنی آن تفسیری که از علی شنیدی را نگو. چرا؟ چون تفسیری که از امیر مومنین شنیده است با تفسیر بقیه چه فرقی میکند؟ این اصلاً درش سلم و حرب است. در تفسیر امیرالمومنین دائم سلم و حرب است. تطبیق مصداقی است. اما تفسیرهای دیگر چیست؟ مفهومی است. آدم میتواند بنشیند، پایش را ببندد از روی پایش و قلیان هم بکشد و تفسیر هم بخواند! چیزی هم نمیشود، تفسیرش را هم خوانده، خوب هم فهمیده است. اما تفسیر امیر المومنین وارد صحنه کردن است، جنگیدن و صلح کردن است. سلم و دعوا است، درش دعوا راه می افتد. آن تفسیر دعوا دارد. یقه گیری است. مطالبه گری است. ایستادن است. گفت آن را نگو. تو که تفسیر زیاد شنیدی و بلدی،

<sup>۲۲</sup> نهج البلاغه (للصحی صالح)، ص: ۳۰۰:

خطبه قاصعه: ... وَأَنَا وَلَدٌ [وُلَيْدًا] يَصُغُّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَيَكْتَفُنِي فِي فِرَاشِهِ وَيُصْنِي حَسَدَهُ وَيُصْنِي عَرْفَهُ وَكَانَ يَصُغُّ الشَّيْءَ ثُمَّ يُلْقِمُنِيه...

فقط از امیرالمومنین که یاد نگرفتی، حرف های دیگر را بگو، این ها را حق نداری بگویی. جلو تفسیری که نقل از امیر مومنان باشد را گرفتند. یعنی نوع برداشتی که از قرآن امیر مومنان دارد با حاکمیت بنی امیه در تضاد است. این قرآن خواندن اینطوری آدم احساس میکند که با آمریکا در می افتد وقتی اینجوری قرآن می خواند. نتیجه این قرآن خواندن این باید باشد که آدم میبندد دشمنی در وجودش با ظالم و مستکبر و کسی که منحرف است شدیدتر میشود. اگر خواندیم، دیدیم نه، در قدم عملی مان و محبت ها و بغض هایمان هم فرقی نکردیم، ولی خوب فهمیدیم، خوب هم میتوانیم حرف بزنیم، یک ساعت دو ساعت هم در مورد یک کلمه اش هم می توانیم گفتگو داشته باشیم، اما وقتی می آیم، در حقیقت یک آرامشی داریم، تفسیر امیرالمومنین میخواهد آرامش را به هم بزند. تفسیر امیرالمومنین می خواهد درد را زیاد بکند، آرامش را بهم بزند، آدم را بریزد به همدیگر، بگوید باید بیایی در صحنه، نباید بنشینی.

## پرچم مرگ بر آمریکا؛ معیار سنجش

اگر با قرآن اینجوری ارتباط برقرار کرد، آنوقت دشمن برای اینکه بتواند در مقابل این تفسیر بایستد، دو راه دارد برای ورود، یا در نظام محبت ها تصرف بکند یا در نظام بغض. فکر میکنید برای ورود کدام برای دشمن مطلوب تر است و در تاریخ از کدام بیشتر وارد شدند؟ هر دو را میخواهند. اما از کدام وارد بشوند راه سهل تر می شود برای رسیدن؟ از راه بغض، بغض را کم رنگ بکنند. وقتی بغض کم رنگ بشود، مرزهای بغض کم رنگ بشود، مرزهای عداوت کم رنگ بشود، حالا در تاریخ نگاه بکنید، الان ایام خودمان را نگاه بکنید، امام کاری که کرد، یک پرچمی را بلند کرد به عنوان شیطان بزرگ که آمریکا است و هر دشمنی با چی سنجیده میشود؟ به مقدار قربش با آمریکا ما باهاش دشمنیم. به مقدار بعدش از آن، ما میتوانیم با او همراه باشیم. چون تعبیر روایت<sup>۲۳</sup> هم دارد که دشمن تو کسی است که با تو دشمنی میکند، یکی کسی که است که دوست دشمن تو است. یکی هم دشمن دوست تو. این ها سه دسته دشمنان من هستند. تعبیر روایت است. در مقابل می گوید دوست تو کی ها هستند؟ دوست تو که تو را دوست دارد، یکی دوست دوست تو، کسی که دوست تو را دوست دارد، حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم<sup>۲۴</sup>، یکی هم دشمن دشمن دوست. یعنی دشمن دشمن تو هم دوست تو می تواند باشد، منتهی هر دوستی را آدم یکجوری بهش اعتماد میکند. با دشمن دشمن نمی خواهد همه رازهایش را بگوید، اما می تواند باهاش تا یک جایی همراهی بکند تا بتواند علیه دشمن اقدام داشته باشند.

امام یک پرچمی را بلند کرد به عنوان دشمنی با آمریکا تا معیار باشد در دشمنی. می دانید این کار چقدر عظیمی بود؟ از آن اول، از دولت بازرگان گرفته تا بقیه، همه به دنبال این بودند که این پرچم را بکشند پایین. ناراحت بودند که چرا این پرچم بالاست. دولت بازرگان استعفا داد چون سفارت آمریکا تصرف شده بود و امام پشتیبانی کرد. امام پشتیبانی کرد، این ها استعفاء دادند. گفتند نمی شود دیگر، چون پرچم را برد بالاتر، این ها می خواستند پرچم را بیاورند پایین تر، امام دارد پرچم را می برد بالاتر. در دوره های یکی پس از دیگری، افراد و حزب ها یکی پس از دیگری دنبال این بودند که این پرچم بیاید پایین. مرگ بر آمریکا نگوئید، بد است! مرگ بر آمریکا نگوئید، پرچم آمریکا را آتش نزنید! زشت است! دنبال ارتباط با آمریکا باشیم! کدخداست! چرا این پرچم باید بیاید پایین؟ مذاکره با آمریکا برای آمریکا خیلی مهم تر بود تا برای ما! آقا بارها فرمود که این ها مذاکره اصلا برایشان مهم است، که بگویند یک کشوری که پرچم عداوت را آورده بود بالا، او هم آورد پایین. ما در مذاکره اگر هم هیچی گیرمان نیامد، این پرچم را آوردیم پایین، مرز معادات را آوردیم پایین. می دانید جریان دشمنی قدرت جذبش در حقیقت خیلی زیاد است. پتانسیل های جذابیتش جایی که دشمنی اعمال میشود خیلی قوی است. داعش نفوذش به خاطر این بود که جهادی را علم کرد، جهاد و دشمنی از تعالیم دینی اش جذب نکرد، از اعمال دشمنی جذب کرد. ما مثل او نیستیم که بخواهیم بگوئیم هدف وسیله را توجیه می کند، هر جوری بخواهیم دشمنی را به کار بگیریم، نه، اما جهاد و برائت و جریان معادات که این همه در زیارت عاشورا، این همه در این دعا، این همه در جاهای دیگر اصرار شده است، برای این است که طلب وجودی انسان هاست، انسان ها را به نتیجه میرساند، در مقابل دشمن قرار می دهد، در مقابل شیطان قرار میدهد. لذا آدم از اولین افعالش ارتباط با شیطان شد،

<sup>۲۳</sup> نهج البلاغه (للصباحي صالح)، ص: ۵۲۷ و ۵۲۸:

قَالَ عَ أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ فَأَصْدِقَاؤُكَ صَدِيقُكَ وَ صَدِيقُ صَدِيقِكَ وَ عَدُوُّ عَدُوِّكَ وَ أَعْدَاؤُكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّ صَدِيقِكَ وَ صَدِيقُ عَدُوِّكَ.

<sup>۲۴</sup> من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۶۱۴: زیارت جامعه کبیره: ...مُوَالِ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ مُبَغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ...

یکی تمرد شیطان شد و بعد هم گول زدن شیطان نسبت به او در نزدیک شدن به آن درخت منهدی شد. لذا جریاناتی که دارند پرچم دشمنی با آمریکا را میشکند پایین، یک خیانت عظیم دارند میکنند تا معیار را به هم بزنند. بحث مذاکره بعد از مذاکره که اگر عهد را هم شکست، ما دوباره چون خیلی رحیم هستیم، چون خیلی رؤف هستیم، حاضریم باز هم مذاکره کنیم. این یعنی چی؟ یعنی دشمن نمیبینیم. لذا برای آنها مهم است که یک ملاقات صورت بگیرد، چرا؟ تا بگویند تسلیم شدند. برایشان همین مهم است، هیچ ثمره ای دیگری درش نباشد، همین برایش مهم است که بگویند همه هارت و پورتی که داشتند را گذاشتند کنار. تحریم ها اثر کرد.

این جریان را عده ای عالما عامدا دارند این کار را میکنند، بدانید عالما هست یک عده ای، یک عده ای هم جاهلا با مشاوره هایی که بهشان داده میشود.

شیعه در تاریخ حفظش به این بوده که دشمن شناسی اش قوی بوده است و می توانسته مرزهای دشمنی را، نسبت هایش را خوب برقرار بکند بواسطه ارتباط با امام. ببینید امیر المومنین که آمد بلافاصله ناکثین و قاسطین و مارقین از درون با امیرالمومنین علیه السلام درگیر میشوند. جریان بصیرت دشمن شناسی جزء عظیم ترین فرآیندی است که در نظام شیعه و امامت، جزء دستاوردهای مهم است فلذا دنبال این هستند که این را از بین ببرند. اما ببینید، دشمن گاهی کاری میکند که دوستان نادان و جاهل ما دنبال خراب کردن هستند، اما می دانید آمریکا با خروجش از برجام به ما خدمت کرد یا خیانت به نظر شما؟ یواش بگویید! بعضی ها بشنوند سرخ می شوند! می گویند رفتن آمریکا همه دستاوردهای ما را بر باد داد. اما آمریکا با رفتن و عهد شکنی اش، چه کار کرد؟ نشان داد من همان بی وفای خائن ظالمم. قدرت و استکبار. یعنی مردم داشتند خام میشدند بعضا با تحلیل هایی که اینها می کردند. ماها دیگر نبردیمش بیرون که! خودش رفت. خودش پاره کرد. با افتخار امضا کرد و نشان داد که رفتم بیرون.

اینکه جریان آمریکا دوباره پرچمش افراشته شد، هرچه نادانان داخلی پرچم را سعی کردند بیاورند پایین، خود آمریکا با زور داشت بالا می برد که مردم بدانید من دشمنان هستم، مردم ببینید من دشمن تان هستم، آن هم بعد از اینکه این ها همه وادادادند. به این هم راضی نشد. این از آن مکرهای الهی است که به این ها برگرداند که پرچم معادات بر افراشته باشد. این پرچم معادات را زنده نگه داریم. این خیلی کار ارزش می آید.

شیطان دنبال این است که از کجا شروع بکند برای اینکه مرزهای ما را به هم بریزد؟ اول مرزهای دشمنی را. این هم در دشمنی های بیرونی است، هم در دشمنی های با سیئات. یعنی آدم مرزهای بدی در نظرش کمرنگ بشود. نمیگوید خوبی نکن. میگوید اسلام رحمانی. اسلام رحمانی یعنی چی؟ یعنی خوبی بکن، مهربان باش، اما دشمنی نداشته باش. در جریان سیئات هم میگوید تو طاعتت را انجام بده. اینقدر در مقابل سیئات... توبه که هست. اینقدر در مقابل سیئات موضع نگیر. مرز انسان را با بدی کمرنگ بکند. اگر مرز با بدی کمرنگ بشود، خوبی هم از دست میرود. چون خوبی ای که در مقابلش بدی نباشد، خوبی نیست. آن خوبی، خوبی نیست، همین می شود به قول این ها اسلام رحمانی، اسلامی که خطر ندارد. یک کبریت بی خطر است. یک چیزی که برای بازی خوبی است. اسلام نیست.

لذا اسلام آنجایی است حقیقتش، اسلام ناب محمدی، از یک طرف پرچم بلند معادات را دارد، از یک طرف پرچم بلند موالات را دارد. در بین مومنین بالاترین محبت ها را به هم میکنند، با ظالم و مستکبر هم بالاترین دشمنی و کینه را به خرج میدهند. هرچی این نظام در وجودمان، چه درونی نسبت به گناه و حسنة، نسبت به سیئات بالاترین کینه، نسبت به حسنة بالاترین محبت، نسبت به ظالم بالاترین کینه، نسبت به مومن بالاترین رحمت. اگر این ها باهم تطابق پیدا کرد، این جامعه بیمه میشود. پس کار ما این است که بصیرت داشته باشیم. حواسمان به این بیان سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم باشد.

